

## مشکل اخلاقی اشتغال زنان و ایفای نقش خانوادگی آن‌ها با رویکرد اخلاق کاربردی

محمدجواد فلاح\*، طاهره مهدویان\*\*

### چکیده

حضور بانوان به‌ویژه بانوان متأهل در مشاغل آن‌ها را با مشکل‌های اخلاقی مواجه ساخته است. اینکه یک زن بتواند هم نقش حرفه‌ای و شغلی خود را به‌طور کامل ایفا کند و هم در مقام همسری و مادری از عهده مسئولیت‌هایش در خانه برآید مسئله‌ای است که مقاله پیش رو به آن خواهد پرداخت.

ما بر اساس سه محور مخاطره‌آمیز بودن فعالیت‌های شغلی زنان، ارزش‌گذاری شغلی زن در بیرون از خانه و تغییر در خصلت‌های ذاتی زنان به نفع و علیه حضور زنان در مشاغل استدلال خواهیم کرد و بر اساس دیدگاه اسلامی آن را مورد قضاوت و داوری قرار می‌دهیم.

بر اساس آموزه‌های اسلامی جدای از موارد استثنایی که ضرورت‌هایی مثل حفظ جان و آبرو و سلامتی خود و فرزندان مقتضی آن است، حفظ شأن زن در خانواده و مراقبت از ویژگی‌های متناسب با خلق و خوی او به‌عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مقاله بایان وضعیت‌های مختلف فاعل اخلاقی (زنان) که در مسئله ذکر شده راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌گردد.

\*دانشیار دانشگاه معارف اسلامی قم.

javabekhoob@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی قم.

t.mahdavian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۵/۱۷



## کلید واژه‌ها

مشکل اخلاقی، اشتغال زنان، نظریه‌های اخلاقی، اخلاق مادری، راهکار اسلام.

### ۱. طرح مسئله

رویاری بانوان به مشاغل هرچند نوید توجه به حضور اجتماعی زنان است و همواره بر اساس استدلال‌هایی بر آن صحه گذاشته شده با این وصف با مشکل‌ها به‌ویژه از منظر اخلاقی مواجه است. در این مقاله به این مسئله خواهیم پرداخت که حضور زن در عرصه‌های شغلی با چه مشکل‌های اخلاقی مواجه است. زن بر اساس نوع جنسیت و نقش بسیار مهم و اساسی که در عرصه خانواده به‌عنوان مرکز محبت و ثقل اساسی تربیت اعضای خانواده تلقی می‌شود و نوع تعامل و جایگاهش زمینه ظهور و بروز صفات خوب و بد اخلاقی در خانواده و به تبع آن اجتماع می‌گردد به عهده گرفتن مسئولیت‌های جانبی دیگر می‌تواند چنین نقش اساسی را با مشکل همراه سازد. یکی از این مسئولیت‌های جانبی که متأسفانه در برخی موارد به‌عنوان مسئولیت اصلی و اولی زن تلقی می‌گردد اشتغال بانوان است که می‌تواند تأثیرات خود را در ابعاد مختلف خانواده و بیشتر در روابط اخلاقی فی‌مابین اعضای خانواده نشان دهد چراکه زن به‌عنوان عضو مؤثر خانواده نسبت به اعضای دیگر این خانواده یعنی شوهر و فرزندان مسئولیت اخلاقی دارد که اشتغال می‌تواند در آن ایجاد خلل کند.

این بررسی و قضاوت اخلاقی می‌تواند بر اساس معیارها و مبانی اخلاقی رایج صورت گیرد. بر این اساس می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا می‌توان بر اساس دیدگاه وظیفه‌گرا، نتیجه‌گرا، فضیلت‌گرا برای بانوان بر اساس اولویت، نقش‌های متفاوتی در نظر گرفت و برای آن ارزشمندی قائل شد؟ در اینجا سخن از ملاک ارزش است به این معنا که چه چیز می‌تواند برخی کارها را برای افراد دارای



اولویت کند؛ اگر این چنین است آیا می توان برای بانوان به ویژه کسانی که تشکیل خانواده داده و به عنوان همسر و مادر فرزندان نقش ایفا می کنند؛ چنین نقشی را به عنوان نقش اصلی تلقی و نقش های دیگر را فرعی بدانیم؟ اگر پاسخ مثبت است مهم ترین مشکل ها را در این زمینه چیست؟ دیدگاه اخلاق اسلامی در این باب چیست؟ می توان مهم ترین مشکل اخلاقی پیش روی زنان را در حضور مؤثر در مشاغل جابجایی اولویت در نقش ها دانست. به این معنی که اگر بر اساس نظام ارزشی و ساختاری اخلاقی به ویژه با نگرش اخلاق اسلامی و نوع شخصیت، حقوق و تکالیفی که برای بانوان ارائه شده است نقش مادری، همسری و عنصر خانواده مهم ترین نقش های یک بانوی خانه دار است.

در این صورت وقتی اشتغال، جانشین چنین نقش بی بدیلی برای بانوان متأهل گردد خود مهم ترین مشکل در این عرصه است. این مقاله بر این مسئله استوار است که در صورت چنین مشکلی مهم ترین ظرفیت های اخلاقی که زن در خانواده با ایجاد اشتغال نسبت به آن دچار آسیب می گردد کدام است؟ این مشکل ها به ویژه در نقش همسری و مادری نمود بیشتری دارد. در این صورت زن در نقش همسری خود در مقابل شوهر و همچنین نقش مادری خود در قبال فرزند با چه مشکلات اخلاقی مواجه است؟ آیا می توان بر اساس معیارها و اصول اخلاق اسلامی برای برون رفت از این مشکل ها چاره اندیشی نمود و آیا راه های پیشگیری و حل چنین مشکل هایی متخذ از منابع دینی چیست؟

در این مقاله ما بر اساس سه محور، به نفع و علیه حضور زنان در مشاغل استدلال خواهیم کرد و بایان وضعیت های مختلف فاعل اخلاقی ضمن تحلیل مختصر موقعیت ها راهکارهایی را برای برون رفت از این مشکل بیان خواهیم کرد. البته گفتنی است از آنجا که نظام اخلاقی اسلام مبتنی بر دین اسلام است، در نتیجه



راهکارها و تعیین ارزش‌های اخلاقی در موقعیت‌های خاص، با استفاده از عقل و تجربه و وحی می‌باشد.

## ۲. ارزیابی اشتغال زنان با توجه به نظریه‌های اخلاق هنجاری

اینکه ما با چه مبنایی به ارزیابی اخلاقی اشتغال زنان پردازیم در قضاوت و داوری اخلاقی ما بسیار مؤثر است و می‌تواند ما را در حل مسئله و دست یافتن به دیدگاه درست مدد رساند. در اصل در این بخش نظریات رقیب دیدگاه اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهیم و با نقد و ارزیابی اجمالی آن‌ها دیدگاه اخلاق اسلامی را در ارزیابی مشکل اخلاقی اشتغال بانوان ارائه خواهیم کرد. هرچند نظریه اخلاقی اسلام مبتنی بر سعادت و کمال نهایی انسان استوار گردیده و همه رفتارهای انسان را در مسیر تأمین چنین هدفی توجیه می‌سازد؛ (مصباح، ۲۸۹: ۱۳۸۴) ولی باید توجه نمود مکتب اسلام در مورد دیگر نظریه‌های رقیب نیز، نظر خاص خود را داشته و به نفی مطلق این نظریه‌ها به‌ویژه نظریه‌های هنجاری رأی نمی‌دهد.

### ۲-۱. دیدگاه غایت‌گرایی

بنابر نظریه‌های غایت‌گرایانه که نتیجه حاصل از کار را بر اساس نوع غایت (سود، قدرت، لذت و سعادت) مورد لحاظ قرار می‌دهند. (مصباح، ۱۳۸۴: ۲۵) اکنون موضوع اشتغال زنان را از این دیدگاه بررسی می‌کنیم. از منظر نتایج و منافع که بر ای خانواده می‌توان متصور شد ممکن است بعضی از سودگرایان استدلال کنند که ادامه اشتغال زنان باعث اقتصاد بهتر خانواده و عدم فقر آنان می‌شود و بیشترین سود را در پی دارد پس کار آن‌ها اخلاقاً مجاز خواهد بود. در برابر این استدلال اگر کسی قائل شود به اینکه اشتغال زنان به‌طور آزادانه نسبت به منع اشتغال آنان، مشکلات



زیادی به بار می آورد از قبیل بیکار شدن آقایان، به تأخیر افتادن ازدواج و یا به خطر افتادن مسئله تربیت فرزندان و بزهکاری آن‌ها و ... بنابراین اشتغال زنان، اخلاقاً مجاز نخواهد بود پس با توجه به نقدی که به سودگرایان شده، سنجش میزان نتایج مترتب بر هر یک از گزینه‌ها و عدم ترجیح یکی از آن‌ها، از دشواری‌های این نظریه است. (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

مثلاً اگر در یک اداره تنها یک موقعیت شغلی خوب موجود باشد و متقاضیان متخصص فقط دو نفر؛ یک مرد و یک زن باشند و این خانم در خانواده خود مشکل اقتصادی نداشته باشد و صرفاً می‌خواهد به جهت تحصیلات بالایی که دارد حتماً شاغل شود، حالا اگر خود گرا باشد که فقط به فکر تأمین منفعت برای خود است (پالمر، ۸۲: ۱۳۸۵) در نتیجه سریع اقدام می‌کند که این موقعیت را از دست ندهد. اکنون به قضاوت بنشینید و بگویید آیا منصفانه است یا از جهت اخلاقی جایز است که بگذاریم چنین شود؛ به عبارت دیگر حتی اگر ما بر اساس غایت‌گرایی، آن‌هم مبتنی بر سود و آن‌هم سود همگانی که جان استوارت میل بر آن پای می‌فشارد تأکید کنیم باز می‌توان به نفع عدم حضور بانوان در مشاغل با تأکید بر اولویت نقش مادری و همسری و مسئولیت اخلاقی او در خانواده استدلال کرد.

در تأیید این مطلب نمونه‌ای دیگر قابل ارائه است. یک خانواده‌ای را فرض کنید (البته واقعیت هم دارد) که در آن پدر و مادر، هر دو شاغل و اشتغال مادر صرفاً به جهت اضطرابی که برای آینده فرزندانش دارد است و یا به جهت رفع مشکلات اقتصادی که شاید در نظر او مشکل باشد و درواقع بتوان با اصل اخلاقی قناعت و دوری از زیاده‌روی و چشم‌وهم‌چشمی، زندگی را به راحتی گذرانند. حالا اگر این مادر شاغل به جهت اطاعت از خواسته‌های عاطفی‌اش مرتب به فکر



آینده فرزندانش باشد و غایت اخلاق برای او توجه به منافع دیگران باشد پس کمال فردی او چه می‌شود؟

اینجاست که پای اخلاق کاربردی به میان می‌آید و اخلاق کاربردی عبارت است از کاربرد نظریه‌های اخلاقی کلی در مسائل اخلاقی با بی‌طرفی در حل این مسائل. (جمعی از نویسندگان: ۱۳۸۸، ۲۳).

بنابراین یک خانم شاغل باید یک تلفیق منسجم میان اصول مهم در زندگی زناشویی اش و اشتغالش برقرار نماید تا به نتیجه مطلوبش برسد. در اصل در رویکرد غایت‌گرایی ما باید به این بیندیشیم که آیا غایت و نتیجه‌ای که برای اشتغال زن منظور می‌کنیم با غایت و نتیجه اخلاقی که از عدم حضور او در شغل و ایفای نقش خانوادگی رقم می‌خورد برابری می‌کند و ترجیح با کدام است. هرچند دیدگاه غایت‌گرایی هم در جای خود با مشکلات و دشواری‌هایی مواجه است.

## ۲-۲. دیدگاه وظیفه‌گرایی

وظیفه‌گرایی بر آن است که ارزش اخلاقی یک عمل تابع نتایج آن نیست، بلکه معیار حسن و قبح افعال اختیاری را در هماهنگی و عدم هماهنگی با وظیفه جستجو می‌کنند. (مصباح، ۱۳۸۴: ۲۶).

طبق نظر وظیفه‌گرایان قاعده نگر عقل‌گرا که می‌گویند: «عقل انسان وظایف اخلاقی او را تعیین می‌کند و همه‌ی آن تکالیف اخلاقی باید قانون مطلق باشند» (مصباح، ۱۳۸۰: «ب»: ۱۶۱) اگر زنان، آزادانه با تکیه بر عقل خود این‌گونه استدلال کنند که یک فرد در کنترل زندگی خویش آزاد است پس یک خانم هم حق دارد تصمیم بگیرد که شاغل باشد یا نباشد و اگر ناخواسته مجبور شد که به‌عنوان سرپرست خانواده، ساعاتی از روز را به تأمین معاش پردازد بدون توجه به اینکه به



وظایف دیگرش چگونه عمل کند می‌تواند اشتغال را انتخاب کند به شرط اینکه بتواند به شکل غیرمتناقض اراده کند که این تصمیم وی در حوزه مباحث اخلاقی به یک قانون عمومی تبدیل شود و نسبت به همه افراد به طور یکسان اجرا شود البته باید توجه داشت که در نگاه کانتی این استدلال در صورتی صحیح است که برای فرزندان آن مادر شاغل، هیچ ارزش ذاتی و اخلاقی قائل نباشیم؛ اما اگر برای فرزندان او که آن‌ها هم انسان می‌باشند ارزش ذاتی قائل باشیم، آنگاه آن مادر در اشتغال خود با حق تربیت فرزندانش دچار تعارض می‌شود و این استدلال وظیفه‌گرا در مجاز بودن اشتغال زنان کافی نخواهد بود.

البته می‌توان مدعی شد اسلام تا حدودی وظیفه‌گرایی اخلاقی را می‌پذیرد و از نظر برخی بزرگان، تکلیف آدمی تشرّف به محض اطاعت الهی است. (دبیری، ۱۰۸: ۱۳۹۲) اما نه آن‌گونه که در نظریه وظیفه‌گرای کانت و اشاعره گفته شد.

اگر ما امر الهی را نه به معنایی که اشاعره بیان کرده‌اند بلکه به معنای آموزه‌های دینی که در قرآن و روایات به عنوان دستورالعمل راهنمای زندگی برای انسان ایراد شده در نظر بگیریم در متون دینی بسیار آمده که رها کردن فرزندان به حال خود و وقت کافی نگذاشتن برای آن‌ها و همچنین همسر و والدین آن خانم شاغل، کاری مطرود و ناپسند است.

برای نمونه در نهج‌البلاغه داریم که امام علی علیه السلام به فرزندشان امام حسن علیه السلام در قسمت شتاب در تربیت فرزند می‌فرماید: «... پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد...» (دستی، ۱۳۷۹، ن ۳۱).

به تعبیر واضح‌تر در این دیدگاه باید به وظیفه دست‌یافت و کدام وظیفه می‌تواند برای یک زن اولویت داشته باشد؟ آیا وظیفه‌گرایی توجه و مراقبت خانوادگی را



تأیید می‌کند یا شغل زن را؟ این دیدگاه نیز باید مورد تأمل قرار گیرد. وظیفه‌گرایی دینی که مبتنی بر باید نبایدهای الهی صورت می‌گیرد دیدگاه فوق را با مشکل‌هایی مواجه می‌سازد.

### ۳-۲. دیدگاه اخلاق فضیلت

اخلاق فضیلت نظریه‌ای است که به جای تمرکز بر رفتارهای خارجی، بر فضیلت و منش اخلاقی فاعل تأکید دارد. همین توجه به نقش نیت و انگیزه که حسن فاعلی نام دارد باعث شده تا اخلاق فضیلت را فاعل محور معرفی کنند. (مصباح، ۱۹۹: ۱۳۸۴). این توجه به فاعل اخلاقی، نیت و انگیزه در ارزش‌گذاری اخلاقی، از امتیازات این نظریه است ولی از جمله نقدهای آن: اول اینکه کاربردی نیست و فقط می‌تواند بگوید که چگونه باید باشیم اما اینکه در مقام عمل چه انتخابی درست است را نمی‌گوید و دوم اینکه نشان دادن انگیزه شخصی افراد خارج از قدرت ماست. (دبیری، ۱۱۹: ۱۳۹۲) پس طبق این نظریه اگر در ارزش‌گذاری اخلاقی اشتغال زنان، فقط نیت فاعل اخلاقی مدنظر باشد و در عمل، او را هدایت نکند مطمئناً آن مشکل‌های اخلاقی که در مقام عمل برای خود و خانواده‌اش محقق می‌شود، به قوت خود باقی می‌ماند در نتیجه برای حل مسئله‌ی پژوهشی ما کارایی ندارد.

بهرتر است نظریه فضیلت را بخشی از یک نظریه اخلاقی کلی بدانیم نه فی‌نفسه کامل زیرا که نظریه جامع، شامل همه ملاحظات و مبانی منطقی است به طوری که حق هر یک را ادا کند. (ریچلز، ۱۳۹۲: ۳۱۰).

البته از منظر اخلاق فضیلت نیز می‌توان فضایل اخلاقی چون ایثار و گذشت، مهرورزی و برخی فضایلی که همسو با نقش زن در خانواده هست را بر برخی فضایلی چون نظم، مدیریت، حساسی که بیشتر در کارهای شغلی و حرفه‌ای مدنظر





است ترجیح داد چه اینکه در رویکرد اسلامی ترجیح نقش مادری و همسری برای یک زن بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و بافت وجودی زن است. از این رو ورود زن به عرصه‌های شغلی و حرفه‌ای با مشکل‌های اخلاقی جدی‌تری حتی مبتنی بر اخلاق فضیلت است.

### ۳. ارزیابی استدلال‌های اخلاقی

نظریات هنجاری طرح شده هر چند می‌توانند له یا علیه حضور بانوان در مشاغل استدلال‌هایی را طرح کنند باری پرداختن به مسئله از منظر اسلامی مبتنی بر نظریه اخلاقی اسلام است که دیدگاه‌هایی درباره آن مطرح شده است. البته این نظریه اخلاقی در بردارنده یک نظام اخلاقی است از این رو می‌توان نظریه اخلاقی اسلام را با نظام اخلاقی آن متحد دانست. (مصباح، ۳۲۵: ۱۳۸۴). آن‌چنان که برخی صاحب‌نظران اخلاقی معتقدند نظام اخلاقی اسلام، از مجموعه نظام‌های اخلاقی غایت‌انگار است. غایتی که در این نظام اخلاقی مطرح است، لذت‌های عمیق، پایدار و خالی از رنج است که در پرتو تقرب به خداوند حاصل می‌گردد. (مصباح، ۲۴۹: ۱۳۸۴) اما این نظام اخلاقی به لحاظ‌های گوناگون به مکاتب سودگرایی و وظیفه‌گرایی نزدیک شده در برخی ویژگی‌ها با آن‌ها مشترک است. از سوی دیگر، این نظام، جزو نظام‌های قاعده‌نگر بوده، مبتنی بر دو منبع عقل و وحی هست. (شیروانی، ۱۳۷۹: ۱۱۸).

با توجه به اینکه نظام اخلاقی اسلام مبتنی بر عقل و وحی و در تعامل با دین است همچنین تصدیق پاره‌ای از گزاره‌های اخلاقی و علم به بسیاری از جزئیات احکام اخلاقی، متوقف بر دین و گزاره‌های دینی است (مصباح، ۱۷۵: ۱۳۸۰) جا دارد که اشتغال زنان را هم تا حدودی از این منظر بررسی کنیم و با تأکید بر چنین



معیاری آن را ارزیابی کنیم. لذا ارزیابی اخلاقی ما نمی‌تواند خارج از آموزه‌های دینی باشد.

متون قطعی شریعت، هیچ کدام برخلاف آنچه شهرت یافته است، از نظریه حرمت اشتغال زن جانب‌داری نکرده‌اند بنابراین عنوان این نکته که شریعت، اساساً مخالف با اشتغال زن و موافق با خانه‌نشینی او است، با سنت نبوی و سیره عمومی مسلمانان مدینه‌النبی نمی‌تواند سازگار باشد. نگرانی‌های واقعی در خصوص به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی زنان، نباید موجبی برای صدور حکم مطلق درباره حرمت اشتغال زنان باشد، زیرا به فرض وجود چنین خوفی، نه اشتغال زن، بلکه عدم امنیت اجتماعی او داخل در موضوع احکام فقهی است. (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۰-۲۱۹).

در ضمن زمانی که زن، سرپرست خانواده به شمار می‌آید یا شوهر از کار افتاده می‌شد و برای کسب درآمد خود و خانواده‌اش می‌کوشید رسول خدا ۹ می‌فرمود: «چنین کاری دو ثواب دارد». (علاسوند، ۱۳۹۰: ۲/۲۸۰).

در آیات و روایات و به تبع کلام فقهای امامیه نه تنها هیچ منعی برای اشتغال زنان وجود ندارد، بلکه جواز اشتغال زنان از اطلاقی که در کلام معصومین: مبنی بر تشویق به فعالیت اقتصادی و کسب روزی حلال وجود دارد نیز به دست می‌آید. (قاسم‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۴) از آن جمله روایت پیامبر اکرم ۹ که می‌فرماید: «العباده سبعون جزء افضلها طلب حلال» عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین آن طلب روزی حلال است. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵/۷۸).

تنها دلیلی که می‌تواند در مسئله اشتغال زنان محدودیت ایجاد کند، مجاز نبودن خروج زن از منزل، بدون اجازه شوهر است. (نظر همه مراجع به جز تبریزی و مکارم). (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۵). شهید مطهری معتقدند شوهر نباید به‌طور مطلق از





خروج زن جلوگیری کند و زن را اسیر خود بداند؛ زیرا با اصل معاشرت و امساک به معروف مخالفت کرده است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

با توجه به معنای تعارض و مشکل اخلاقی (موقعیتی که هم‌زمان دو یا چند وظیفه اخلاقی، پیش رو فاعل اخلاقی باشد) باید ابتدا مشکل‌ها را شناخت و سپس به دنبال راهکار برای برون‌رفت از آنها باشیم.

اما از آن جهت که برخی از این مشکل‌ها به حوزه معرفتی برمی‌گردد، مشکل‌های اخلاقی در بحث اشتغال زنان را می‌توان به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرد. ولی مهم‌ترین آنها، همان مشکل‌های عملی است که حوزه رفتارها و عواطف انسان‌ها را در بر خواهد گرفت و منجر به بروز ناهنجاری‌های فردی-اجتماعی خواهد شد.

اگر اخلاق مجموعه‌ای از صفات پایدار و رفتارهای ارتباطی است، می‌دانیم که رفتارهای صحیح ناشی از ملکات نفسانی خوب و آن ملکات نیز ناشی از درک صحیح از عالم تکوین است؛ در نتیجه شخصی که باورهای صحیحی در زمینه‌های معرفتی نسبت به زن و مرد نداشته باشد دچار معضلات اخلاقی عدیده‌ای خواهد شد که بدان خواهیم پرداخت.

جدای از آنچه در مباحث فقهی آمده و می‌تواند در تعیین حدود اخلاقی مسئله نیز مؤثر باشد مسئله آنجا بیشتر مورد مناقشه است که ما حضور زن در مشاغل را با برخی از وظایف جدی‌تر او که هم دین و هم فقه اسلامی بر آن تأکید دارد معارض ببینیم و یا دقیق‌تر با مشکل اخلاقی همراه ببینیم. در این صورت و با وجود تعارض اخلاقی در نقش‌ها چگونه می‌توان قضاوت کرد ما ضمن توجه به برخی از دیدگاه‌های رایج در مسئله بر اساس سه محور به نفع و علیه اشتغال استدلال خواهیم کرد و درنهایت از منظر اسلامی آن را جمع‌بندی می‌کنیم.

### ۱-۳. استدلال بر اساس مخاطره‌آمیز بودن مشاغل برای زنان

محور این استدلال خطرانی است که زنان را به واسطه‌ی نوع فیزیکی و ویژگی‌های شخصیتی و روحی تهدید می‌کند در این صورت چون اشتغال منجر به لطمات و آسیب‌های جسمی و روحی می‌شود برای زنان مخاطره‌آمیز است از این رو از منظر اخلاقی پذیرفتنی نیست. این دیدگاه مؤیداتی نیز دارد در جوامع کنونی، پدیده تعارض نقش عموماً و تعارض بین نقش‌های شغلی و خانوادگی خصوصاً، اجتناب‌ناپذیر است و به احتمال زیاد، ضمن ایفای دو نقش در شرایطی قرار می‌گیرند که درمی‌یابند که قادر نیستند هر دو یا یکی از آن‌ها را کامل ایفا کنند و به دنبال آن سلامت روانی خود را در خطر می‌بینند. (آدام اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۵).

این استدلال بیانگر مخاطره شغل برای شخص خود زن است که به او آسیب خواهد رساند به تعبیر برخی، اشتغال برای زنان یک نقش اضافی تلقی می‌شود، هر نقش اضافی نیز منجر به افزایش فشار بر دقت و انرژی فرد می‌شود. (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

به‌طور طبیعی بعضی مشاغل، به‌ویژه مشاغل مدیریتی، تفکری ویژه می‌طلبند. مآل اندیشی، تمرکز نکردن بر جزئیات و قدرت واگذاری بخش‌های گوناگون یک کار یا پروژه به افراد دیگر، بخشی از یک سبک تفکرند که با سبک تفکر در خانه متفاوت است. جمع کردن بین دو شیوه تفکر و دو نوع عملکرد، کار سختی است. (علاسوند، ۱۳۹۰: ۲/ ۲۷۲).

در مقابل این مشکل می‌توان پاسخ داد که نمی‌توان ادعا کرد که لزوم ایفای نقش‌های گوناگون، به معنای فشار بیشتر است. اگر زنان قادر به ایجاد «تعادل» بین مسئولیت‌های خانه‌داری و شغلی خود شوند در مقایسه با زنانی که تمام وقت به خانه‌داری می‌پردازند احساس فشار کمتری می‌کنند شاید به این دلیل که زنانی که





به طور تمام وقت به خانه داری می پردازند، امکان کمتری برای اجتماعی شدن که موجب افزایش عزت نفس می شود را دارند. به طور کلی می توان گفت فشار و تنش در شرایط شغلی و خانوادگی که فرد احساس کنترل بر آنها را داشته باشد، در مقایسه با شرایطی که فرد احساس نداشتن کنترل بر شرایط را دارد بسیار کمتر احساس می شود. (ملک زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۹-۲۳۸).

اشتغال مادران در خارج از خانه چنان چه در شرایط مناسب باشد (زمان و سنگینی بار اشتغال کم بوده و مردان نیز به زنان در امور خانه و تربیت فرزند یاری رسانند) موجب ناسازگاری و رفتار نابهنجار فرزندان نمی شود. (قاسم زاده، ۱۳۹۲: ۸۰).

این نگاه به وجه جمعی در مسئله اشاره کرده و اینکه اگر زنان در مشاغل آسیب نینند و منجر به تخریب روحی و روانی آنها نشود حضورشان در مشاغل از منظر اخلاقی موردی ندارد. با این حال نمی توان مرز دقیقی برای این عدم تخریب یافت با توجه به اینکه آمارها نشان می دهد زنان شاغل به ویژه در ایفای نقش خود در خانواده در مقام همسری و مادری نمی توانند از عهده آن برآیند و اشتغال آنان مشکلاتی را به همراه دارد.

## ۲-۳. استدلال بر اساس ارزش گذاری شغلی

یکی از عوامل تأثیرگذار در روی آوری زنان به مشاغل نوع ارزش گذاری آنان نسبت به کار منزل و کار بیرون است که متأثر از عوامل اجتماعی است. در این صورت کار منزل اساساً کاری است بدون مزد که ارزش خاصی نمی توان برای آن قائل شد و کار بیرون به جهت اینکه مستلزم دریافت مزد از کارفرماست به جهاتی ارزشمند تلقی می شود. اینکه آیا کار در بیرون از خانه ارزشمند است و دارای بها یا

کار در خانه؟ برای بانوان یک مشکل ارزشی می‌باشد و انگیزه‌های نادرست در این زمینه منجر به مشکل‌های عملی می‌شود.

از انگیزه‌های گرایش زنان به اشتغال: برتری یافتن کار مزدی بر کار غیر مزدی و تحقیر شدید کارهای خانگی زنان و یافتن احساس عزتمندی و کامیابی از اشتغال و تلقین احساس بی‌کفایتی به زنان خانه‌دار می‌باشد. (علاسوند، ۱۳۹۰: ۲/ ۲۶۹).

عواملی که باعث پدیده عدم تقارن یعنی تسخیر فضای بیرون توسط زنان شده، همین ارزش‌گذاری‌ها می‌باشد. زمانی که حتی خود مردان کار در خانه را بی‌ارزش می‌دانند و از انجام آن عار دارند و در عوض چون کارهای بیرون امکانات مالی فراهم می‌آورند و معیشت خانه را تأمین می‌کنند؛ ارزشمند تلقی می‌کنند. (آدام اسمیت، ۱۳۹۱: ۱۲).

این مسئله نیز به نگرش افراد برمی‌گردد. آنچه کار را ارزشمند می‌کند منوط به نتایج آن است. در دیدگاه اسلامی کاری ارزشمند است که ضمن اینکه فاعل آن کار را به جایگاه رفیع اخلاقی و کمال می‌رساند دیگران را نیز به مسیر کمال رهنمون شود. ارزش‌گذاری مادی که متأثر از نظام اقتصادی جهان معاصر است و معیاری شد برای زیست انسانی خانواده‌ها را با چنین مشکلی مواجه ساخته که نقش همسری و مادری را که می‌تواند نتایج بسیار ارزشمند معنوی و مادی به همراه داشته باشد را فدای دریافت دست مزدی ناچیز می‌کند. بسیاری از آیات و روایاتی که جایگاه ارزشمند مادر و همسر را گوشزد می‌کند در راستای ایجاد انگاره‌های مثبت برای زنان جهت ایفای نقش ذاتی خود و اولویت قرار دادن آن نسبت به مشاغل بیرون از خانه است.



در اینجا شاید بتوان برای رویارویی زنان محملی اخلاقی یافت جایی که لازمه گذران زندگی و تأمین ضرورت‌های اولیه معیشتی برای خود و فرزندان حضور در مشاغل باشد. در این صورت تأمین نیازهای این‌چنین جهت حفظ سلامتی و مراقبه خود و فرزندان توجیه اخلاقی دارد اما اگر فقر و نیاز کاذب به درآمد بیشتر به سبب تأثیر پذیری طبقه پایین‌تر از طبقه بالاتر، (علاسوند، ۱۳۹۰: ۲/ ۲۷۰) عامل گرایش زنان به اشتغال باشد قضاوت اخلاقی ما متفاوت خواهد بود. اگر زدودن فقر، انگیزه فاعل اخلاقی باشد؛ دارای ارزش است ولی نیاز کاذب به درآمد بیشتر ارزش اخلاقی ندارد؟ آیا این نیاز به‌دوراز فضائل اخلاقی از جمله «قناعت» (قناعت: کم خوردن و بی‌تلفاتی به دیگر مشتبهات) (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳: ۳۸) نمی‌باشد و در مواردی هم که فقر بیداد می‌کند باید اصل اخلاقی نوع دوستی و تعاون (الارتفاق لبعضنا) (رازی، ۲۰۰۵: ۸۳) پررنگ‌تر شود و یا در موارد خیلی ضروری، زنان باید به مشاغل خانگی یا پاره‌وقت پردازند تا اعضای خانواده دچار آسیب‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی نشوند.

از سویی دیگر در این نگاه ارزش‌گذارانه اگر افزایش نگرانی زنان درباره تأمین آتیه و افزایش اوقات فراغت زنان به دلیل رشد تکنولوژی (علاسوند، ۱۳۹۰: ۲/ ۲۶۹) یا اعمال سیاست‌های کاهش جمعیت و تنظیم خانواده (فرهادیان، ۱۳۸۶: ۱۰۰) یا به دست آوردن استقلال مالی و وابستگی کمتر به والدین و همسر (علی محمدی، ۱۳۹۴: ۲۰) عامل تعیین‌کننده برای اشتغال زنان باشد در این صورت نیز باید داوری اخلاقی ما متفاوت باشد و سهم هر کدام از این عوامل را در شکل‌گیری مشکل اخلاقی حضور بانوان در مشاغل و نقش‌های مهم خانواده را تعیین نمود و بر اساس آن به قضاوت اخلاقی پرداخت.



### ۳-۳. استدلال بر اساس شکل‌گیری خصلت‌ها و رذایل اخلاقی غیر همسو با

#### نقش ذاتی زن

این استدلال را می‌توان مبتنی بر اخلاق فضیلت سامان داد با این صورت‌بندی که حضور زنان در مشاغل زمینه شکل‌گیری خصلت‌ها و منش اخلاقی خاصی خواهد شد که منجر به از دست دادن منش زنانه آنان می‌گردد لذا با نقش اصلی خود یعنی نقش مادری و همسری که لازمه‌اش داشتن فضایی چون ایثارگری، مهرورزی و مراقبت است فاصله خواهند گرفت از این منظر ورود بانوان به‌ویژه زنان خانه‌دار به مشاغل غیراخلاقی و مذموم است.

از جمله مشکل‌های اخلاقی که عملاً در بعضی از زنان شاغل، به جهت همان انگیزه استقلال مالی در رفتار آن‌ها دیده می‌شود عبارتند از: حرص، بی‌شرمی، عجب، حسد، قطع رحم، تکبر و ورزیدن نسبت به همسر و یا دیگر زنان می‌باشد (خود نگارنده در پرسشنامه‌ای که در مورد زنان شاغل انجام داده است به این نتیجه رسیده است). این آسیب‌های رفتاری هرچند از یک منظر دامن فرد را می‌گیرد ولی تأثیرات اجتماعی و جمعی آن را نمی‌توان در نظر نگرفت. برخی از این خصلت‌ها که در ساحت اخلاق فردی زنان تأثیرگذار است قابل طرح است:

حرص: آزمندی، شره و ضدقناعت است، یعنی طلب به دست آوردن زیاد و آرزوی زوال نعمت غیر و یا طلب شیء است به کوشش زیاد. (معین، ۱۳۸۲: ۱/۹۷۰).

زمانی که یک خانم شاغل متوجه شود به جهت استقلال مالی و درآمد افزایشی خود، تعلق زیادی به مال و ثروت پیدا کرده است و این علاقه افراطی باعث شده مانع شود از دادن حق و به کار بردن رأفت و مهربانی و بخشش درجایی که واجب است و مطمئناً آلوده به صفت ناپسند حرص شده است که باید این تعلق افراطی را به تعدیل رساند و گرنه اشتغالش را رها کند.





بی پروایی: همان بی پروایی نفس، شرمنده نشدن از ارتکاب محرمات شرعی، عقلی و عرفی و از زبونی دو قوه غضب و شهوت است. (نراقی، ۱۳۶۳، ۴۰/۳).

درواقع زمانی که خود زنان شاغل به این مطلب مهم اذعان کرده‌اند که در بعضی از اماکن، مسئولین برای پذیرش پرسنل، خواستار برداشتن چادر و انجام دادن بعضی از منکرات و داشتن روابط عمومی بالا هستند، رفته‌رفته مشاهده می‌کردند که پوشش اسلامی و حیا در بین آنها کم‌رنگ شده است.

عجب: عجب از رذایل قوه غضبیه است که منجر به کبر می‌شود و در معنای عجب می‌گوییم کسی که خود را به سبب کمالی که در خود می‌بیند، بزرگ می‌شمارد و بر آن کمال تکیه می‌کند و منعم اصلی را غافل می‌شود. (نراقی: ۳۵۵/۱).

بنابراین اگر یک خانم شاغل به‌توسط منصب و موقعیت شغلی خود دچار خودبزرگی بینی شود (حتی اگر این شغل برای جامعه ضرورت داشته باشد مانند پزشک متخصص زنان) و این کمال را از خود بداند و معطی کمال را غافل شود؛ (گویا اینکه خودش است که باعث شفای بیماران می‌شود) مطمئناً دچار بیماری روحی عجب شده است که می‌تواند منشأ آفاتی مانند کبر و فراموشی گناهانش شود.

برخی دیگر از این خصوصیات اخلاقی که رهاورد حضور بانوان در مشاغل است در اخلاق اجتماعی و خصوصیات افراد در تعامل با دیگران رقم می‌خورد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

تکبر: کبر یک خوی باطنی است که آدمی خود را برتر از دیگران می‌بیند که به مقتضای آن، اعمالی که در ظاهر بروز می‌کند، تکبر نامیده می‌شود. (همان: ۳۸۰/۱).

اگر یک خانم شاغل به جهت آن جایگاه اجتماعی خود، خود را برتر از دیگران بداند و در هر جلسه‌ای که وارد می‌شود هیچ تواضعی از خود نشان ندهد و با آن



درآمدش به فکر فقرا نباشد و با آنان نشست و برخاست نکند، مبتلابه کبر شده است و اعمال ظاهری او نیز بوی تکبر می دهد.

حسد: با توجه به اینکه حسد از دشوارترین بیماری های روانی است؛ به معنای آرزوی زوال نعمت از برادر مسلمان است از آنچه که به صلاح اوست. (نراقی، ۱۳۶۳: ۱۹۸/۲).

قطع رحم: قطع رحم به معنای آزرده، رنجاندن خویشان، یاری نکردن و غم خواری نمودن با آنان در مال و آسایش و خیرات دنیوی درحالی که به آن نیاز دارند. (همان: ۲۶۴).

مادرانی که اشتغال آنها در ساعات زیادی از روز است علاوه بر آنکه کمتر می توانند به فرزندانشان رسیدگی کنند، به والدین و خویشان خود نیز کمتر می توانند سربرزند و بعضاً مصداق قاطع رحم می شوند.

شاید بتوان این گونه استدلال کرد که با وجود عدم حضور زنان در مشاغل نیز آنان در معرض چنین رذایل اخلاقی در خانواده هستند و حتی شاید بتوان اشتغال را عاملی برای زدودن این ویژگی های اخلاقی دانست و لذا استدلال مذکور را تام ندانست باری می توان این مسئله را با توجه به نقش زنان در مقام همسری و مادری بیشتر مورد مذاقه قرارداد و جایی که حضور زنان در مشاغل و برخورداری آنها از روحیات خاص مدیریتی، نظامی و انتظامی در ایفای نقش مادرانه و نیز مسئولیت اخلاقی در برابر همسر با اختلال مواجه خواهد ساخت آن چنان که برخی گزارش ها و مصاحبه ها و پژوهش های شکل گرفته در این زمینه گویای این مطلب است.



#### ۴. راه‌های برون‌رفت از مشکل (با رویکرد اسلامی)

برای برون‌رفت از مشکل‌های اخلاقی و حل تعارض‌ها سه روش رایج یعنی روش اصل‌گرایی، قرینه‌گرایی و موازنه‌متفکرانه مطرح شده است که در میان فیلسوفان اخلاق برای حل تعارض‌های اخلاقی شیوه موازنه متداول‌تر است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۳۲) بنابراین در بحث ما زنان شاغل به‌عنوان فاعل اخلاقی از یک طرف با طیفی از اصول عام و اخلاقی و از طرف دیگر با موقعیت‌های خاص مواجه است که برای حل تعارض باید هر دوی این طرف‌ها لحاظ شود. البته ما با بهره‌گیری از روش‌های موجود و البته تأکید و توجه به منابع و رویکرد اسلامی به شیوه مستقلی پیشنهادهایی را برای برون‌رفت از این مسئله طرح می‌کنیم:

#### الف) وضعیت‌های فاعل اخلاقی در اشتغال بانوان

حل تعارض اخلاقی زن شاغل به‌عنوان فاعل اخلاقی و ارائه راه‌حل‌های ممکن و انتخاب یکی از راه‌حل‌ها به موقعیت‌های آن زن وابسته است که عبارت‌اند از:

- بانوانی که مجرد هستند ولی در خانه پدری با مشکل حاد مالی و بی‌پدری روبرو هستند و در واقع خودشان نان‌آورند.
- بانوانی که مجردند و در خانه پدری هیچ مشکلی ندارند و صرفاً به جهت تحصیلات بالایی که دارند تمایل به اشتغال دارند.
- زنانی که مطلقه هستند و دارای فرزند می‌باشند.
- زنانی که متأهل، ولی شوهر از کار افتاده، معتاد و یا زندانی دارند و خودشان سرپرست خانوارند (دارای فرزند هستند یا نیستند).



-زنانی متأهلی که درآمد شوهرشان کفاف زندگی را نمی دهد.  
-زنانی که نه مشکل مالی دارند و نه از شوهر محروم اند بلکه صرفاً به جهت تنوع، اوقات فراغت زیاد، استقلال مالی، پرستیژ و کلاس و یا دلایل واهی دیگر به اشتغال می پردازند.

### ب) قواعد و اصول مرتبط با حل تعارض

قواعد و اصولی را که اسلام در حل این تعارض ها بیان می دارد عبارت اند از: اصل استحکام خانواده، اصل مصلحت سنجی، اصل اخلاقی قناعت، اصل اخلاقی عفت و حیا، اصل اخلاقی عزت نفس، اصل صبر، توکل به خدا، قاعده اهم و مهم (اولویت)، قاعده زرین، اصل عاطفه ورزی مادران و تربیت دینی فرزندان، اصل اخلاقی تعاون.

### ج) انطباق اصول با وضعیت و حکم اخلاقی آن

#### موقعیت اول:

بانوان مجرد یا مطلقه بدون فرزند: در حل تعارض باید دید که آیا در خانه پدری خود مشکل مالی دارند یا ندارند؟

#### حالت اول:

اگر مشکل حاد مالی ندارند؛ باید گفت که اگر اشتغال آنان منجر به تنگ شدن عرصه کار برای مردان می شود که به دنبال آن شاهد افزایش بیکاری مردان و به تأخیر افتادن ازدواج آنان و درنهایت منجر به ظهور فساد در جامعه شود؛ طبق دیدگاه نتیجه گرایان: چون نتایج بدی را به دنبال دارد و امنیت را در جامعه کم رنگ می کند پس این دسته از بانوان اخلاقاً مجاز به ادامه اشتغال نیستند.





همچنین طبق نظریه خود گرایی اخلاقی که فقط در جستجوی منفعت خود می‌باشند؛ باید گفت حتی برای خود آنان هم نتایج خوبی را به دنبال ندارد؛ زیرا ممکن است به علت وابستگی زیادی که به درآمد و یا کار خود نشان می‌دهند خواستگاران خوبی را از دست بدهند و ازدواج آنها نیز به تأخیر افتد و در آینده با مشکلات جسمی و روحی زیادی مواجه شوند.

اما از نظر اسلام که حسن فعلی و فاعلی مدنظرش است، اگر جامعه به حضور آنان نیاز جدی دارد، با حسن نیت و مدیریت نظام‌مند انتخاب کنند و تا زمانی که حس می‌کنند با چارچوب نظام اخلاقی اسلام و با اصل عفت و حیای زن سازگاری دارد ادامه دهند.

#### حالت دوم:

اگر در خانه پدری مشکل حاد مالی دارند و درواقع مجبورند و نیاز شدید به درآمد آن دارند؛ طبق دیدگاه نتیجه گرایان چون مشکل فقر می‌تواند نتایج بدتری را به دنبال داشته باشد و با درآمد حاصل از اشتغال بانوان تا حدی مشکل فقر حل می‌شود پس اخلاقاً مجازند به ادامه آن؛ اما برای محاسبه همه نتایج آن مطمئناً باید گفت اگرچه برای همان خانواده اخلاقاً خوب است ولی از لحاظ ابزار شمول و گستردگی که جرمی بنام برای اندازه‌گیری نتایج آن را مطرح می‌کند، ادامه این اشتغال بیشترین سود را برای بیشترین افراد ندارد پس اخلاقاً خوب نیست؛ که این از مشکلات و نقدهای این دیدگاه است.

با مشاهده این تناقضات در نظریه‌های اخلاقی غایت‌گرا و وظیفه‌گرا متوجه می‌شویم که هیچ مکتبی مانند اسلام معیار و ملاک فعل اخلاقی معقول و جامعی ندارد. طبق نظر اسلام باید این دسته از بانوانی که مشکل حاد مالی دارند اگر با راه‌حلهایی مانند قناعت‌پیشه کردن، قابل حل نیست تا جایی که ممکن است خود را

به مشاغل خانگی (بافندگی، خیاطی و ...) مشغول کنند و یا اینکه با رعایت موازین اسلامی به مشاغل پاره وقت بپردازند تا اینکه دچار آسیب‌های روحی-روانی نشوند زیرا که آنان در آینده‌ای نزدیک می‌خواهند تشکیل خانواده دهند و با روحی سالم به رسالت اصلی خود بپردازند.

#### موقعیت دوم:

زن و شوهر هر دو شاغل: شوهران آنان نیز از کارافتاده نیستند (دارای فرزند هستند یا نیستند).

#### راه‌حل:

در خانواده‌هایی که زن و مرد هر دو شاغل‌اند (چه با فرزند چه بدون فرزند) اگر مشکل مالی ندارند، طبق دیدگاه نتیجه‌گرا، از طرفی چون برای خود زنان در آینده مشکلاتی مانند (پیری زودرس-افسردگی و کاهش حمایت اقتصادی از طرف همسر و ...) پیش می‌آید پس نتایج خوبی ندارد و اخلاقاً خوب نیست.

از طرفی چون از جهت مالی خیلی غنی می‌شوند و سود زیادی دارد پس مجازند به ادامه آن. می‌بینیم که همواره دچار تناقض‌اند.

از نظر وظیفه‌گرایان هم می‌بینیم که از آزمون تعمیم‌پذیری موفق بیرون نمی‌آید چون طبیعتاً این دسته از زنان که مشکل مالی ندارند و وارد عرصه‌های شغلی می‌شوند، در واقع عرصه را برای آقایان تنگ می‌کنند پس نمی‌توان گفت که اراده زنان در این موارد خیر است و به‌عنوان قانون عام شود.

اما از نظر اسلام، اساسی‌ترین راه‌های استقرار و استمرار ارزش‌های اخلاقی در حفظ و تقویت و تحکیم خانواده‌ها است.



زنان باید با خود بسنجند که آیا با وجود عدم مشکل مالی، قبول کردن یک تعهد کاری در کنار آن تعهد مهم‌تر (رسالت مادری-همسری) اخلاقاً جایز و منصفانه است؟ زمانی که خود زنان شاغل اعتراف می‌کنند (با توجه به پرسشنامه و نظرسنجی) که ما فکر می‌کنیم که به استقلال مالی می‌رسیم در حالی که این درآمد ما بیشتر صرف هزینه‌های جانبی مانند (هزینه مهد کودک، سرویس فرزندان، فرم خاص محیط کار، سرویس خود زنان شاغل، سبزی، غذا و ترشی آماده و دهها خورده خرج‌های دیگر) می‌شود به دلیل اینکه فرصت این کارها را در خانه نداریم و مهم‌تر از آن آیا این دسته از زنان حوصله رسیدگی به همسر و فرزندان خود را دارند؟

و اگر مشکل مالی به حدی است که فقر آنان منجر به نتایج بدتری می‌شود، بهتر است که فرزندان آنها زیر نظر مادر بزرگ یا خاله یا عمه دلسوز و مهربان مراقبت و حمایت عاطفی شوند و اگر دارای این موقعیت نیز نیستند لااقل محل مهد کودک یا مدرسه آنان نزدیک‌ترین مکان به محل کار مادر باشد تا هرازگاهی به آنان سر بزنند و به محض حل شدن مشکل مالی، خود را درگیر آن شغل نکنند و به استحکام خانواده و تربیت فرزندان خود بیندیشند. (قاعده اهم و مهم).

#### موقعیت سوم:

زنان سرپرست خانوار: راه حل: زمانی که حرف از زنان آسیب‌دیده (بیوه، مطلقه با فرزندان کوچک و بزرگ، شوهر زندانی یا از کار افتاده یا معتاد) به میان می‌آید، چون فرزندان این خانواده‌ها از نعمت پدر و مادر، یکی را محروم‌اند؛ ناخواسته (بعضاً) در بسیاری از مواقع به خاطر آسیب‌های روحی روانی، دچار مشکلاتی هستند؛ بنابراین این دسته از زنان را می‌بینیم که شرافتمندانه برای خانواده و آینده



فرزندان خود تلاش می کنند تا همیشه عزتمندانه زندگی کنند. در نتیجه برای اینکه با مشکل تربیت یا هر مشکل دیگری روبرو نشوند بهتر است که تا می توانند به مشاغل خانگی یا به مشاغل بیرون از خانه به صورت پاره وقت بپردازند.

Archive of SID





## نتیجه‌گیری

مسئله حضور زنان در مشاغل به‌ویژه مشاغل سخت از منظر اخلاقی نتایجی را به همراه داشت که بیشترین آن به انگیزه فاعل که بانوان باشند مرتبط است. ضرورت و نیاز واقعی زنان به اولیات زندگی حضور آنان را توجیه می‌کند ولی تأثیرات محیطی، چشم‌وهم‌چشمی، رقابت‌های غلط و عدم ضرورت‌های واقعی برای حضور زنان در مشاغل مختلف باعث ایجاد مشکلات و مشکل‌های اخلاقی خواهد شد که صدمات آن‌هم دامن فرد را خواهد گرفت هم اجتماع را. آنچه نگارنده در این تحقیق دنبال کرد، این بود که آیا برای بانوان می‌توان بر اساس اولویت، نقش‌های متفاوتی در نظر گرفت و برای آن ارزشمندی قائل شد؟ و ملاک ارزش در این اولویت‌بندی به‌ویژه برای مادران چیست؟

نویسنده با توجه به ملاک‌های ارزش در اخلاق هنجاری، این مسئله را از دیدگاه مکاتب وظیفه‌گرا، نتیجه‌گرا، فضیلت‌گرا و مکتب اخلاقی اسلام دنبال کرد و به نتایج زیر دست یافت.

۱- بر اساس غایت‌گرایان با یک تناقض و نسبییت‌گرایی روبرو شدند؛ زیرا از طرفی اشتغال زنان، سود بیشتر را به دنبال دارد پس اشتغال زنان اخلاقاً مجاز خواهد بود ولی از طرف دیگر این اشتغال آزادانه زنان باعث ناراحتی‌هایی از قبیل بیکار شدن آقایان، به خطر افتادن مسئله تربیت و... می‌شود پس اخلاقاً مجاز نخواهد بود.

۲- بر اساس وظیفه‌گرایی کانتی که تکیه بر اصل تعمیم‌پذیری دارد، در صورتی اشتغال زنان اخلاقاً خوب است که به صورت قانون عمومی و نسبت به همه افراد یکسان باشد، ولی مشاهده شد که نمی‌تواند برای همه تعمیم‌پذیر باشد.

۳- بر اساس دیدگاه فضیلت‌محوری هم مشکل‌های اخلاقی در مقام عمل نیز به قوت خود باقی ماند.



- ۴- بر اساس دیدگاه جامع نظام اخلاقی اسلام که سعادت دنیا و آخرت هر دو مورد توجه بوده، اشتغال زنان به خودی خود هیچ منعی ندارد ولی باید گفت که اسلام در صورتی با الگویی از اشتغال زنان موافق است که با حفظ ارکان نظام خانواده، سلامت اخلاقی جامعه را تهدید نکند. در اصل در نظام ارزش گذاری اسلامی نتایج از آن جهت ارزشمند هستند که سعادت فرد و اجتماع را رقم بزنند. از این رو آنچه می-تواند یک زن را در کامیابی اخلاقی و تصمیم درست قرار دهد نسبت حضور او در خانواده و اجتماع با کمال ارزشی اوست که متناسب با نقش ذاتی او به عنوان بک زن رقم خواهد خورد. با چنین نظام ارزشی چند پیشنهاد ارائه می گردد:
- ۱- زنان حتی الامکان از اشتغال تمام وقت خودداری کنند.
  - ۲- زنان به دلیل انجام فعالیت های مادرانه به ویژه در زمان شیرخوارگی و خردسالی فرزندان خود، امکان فرصت شغلی خود را به تأخیر اندازند.
  - ۳- حمایت جدی مسئولین کشور از مادرانی که سرپرست خانوارند.
  - ۴- فرهنگ سازی در زمینه انتخاب رشته مناسب و سپس انتخاب شغل مناسب برای زنان.
  - ۵- ترویج فرهنگ کار در منزل و توسعه ی بیشتر مشاغل خانگی.



## کتاب نامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه؛ ترجمه دشتی؛ ۱۳۷۹، قم، نشر لقمان.

## منابع فارسی

۱. اترک، حسین؛ (۱۳۹۲)، *وظیفه‌گرایی اخلاقی کانت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲. اسمیت، جرمی آدام؛ (۱۳۹۱)، ترجمه محمد مهدی لیبی با مقدمه‌ای از باقر ساروخانی؛ *زنان شاغل مردان خانه‌دار جابجایی نقش‌های خانوادگی در آمریکا*، تهران، انتشارات علم.
۳. پالمر، مایکل؛ ترجمه علی‌رضا آل‌بویه؛ (۱۳۸۵)، *مسائل اخلاقی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۴. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۸)، *اخلاق کاربردی مشکل‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۵. حسینی، مجتبی؛ (۱۳۸۸)، *احکام روابط زن و شوهر مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۶. دبیری، احمد؛ (۱۳۹۲)، *فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی*، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، قم دفتر نشر معارف.
۷. ریچلز، جیمز؛ (۱۳۹۲)، ترجمه محمود فتحعلی و علی‌رضا آل‌بویه؛ *عناصر فلسفه اخلاق*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، زمستان.



۸. شیروانی، علی؛ (۱۳۷۹)، *اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن*، ۱ جلد، قم، دارالفکر، چاپ اول.
۹. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۸)، *چکیده اخلاق در قرآن*، جلد اول، قم، دارالفکر، چاپ دوم.
۱۰. علاسوند، فریبا؛ (۱۳۹۰)، *زن در اسلام*، جلد ۱-۲، چاپ اول، قم، هاجر، چاپ اول، پاییز.
۱۱. علی محمدی، کاظم؛ (۱۳۹۴)، *رئیس خانه یا کارمند اداره؟* قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ اول عترت.
۱۲. فرهادیان، فاطمه؛ (۱۳۸۶)، *اشتغال زنان و آثار و پیامدهای آن بر خانواده*، تابستان، پایان نامه سطح دو حوزه علمیه مدرسه النفیسه اصفهان.
۱۳. قاسم زاده، عاتکه؛ (۱۳۹۲)، *وضعیت اشتغال زنان و آسیب های خانواده*، تهران، دبیرخانه شورا عالی انقلاب فرهنگی، چاپ اول.
۱۴. مصباح، محمد تقی؛ (۱۳۸۴)، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۵. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۸)، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران، نشر بین الملل، چاپ چهارم.
۱۶. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۸۵)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا، ۱۳۷۶، چاپ چهل و چهارم.
۱۷. معین، محمد؛ (۱۳۸۲)، *فرهنگ فارسی معین*، نشر سی گل، ص ۱۹۶ چاپ اول.
۱۸. ملک زاده، فهیمه؛ (۱۳۹۲)، *تأثیر جنسیت بر اشتغال زنان*، تهران، نشر جامعه شناسان، چاپ اول.



۱۹. نراقی، مهدی؛ (۱۳۶۳)، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی‌وی؛ علم اخلاق اسلامی، ۳ جلد، تهران، انتشارات حکمت، چاپ چهارم ۱۳۷۷، تهران.
۲۰. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد؛ (۱۴۱۳ ق)، اخلاق ناصری، علمیه اسلامیة، چاپ اول، تهران.

#### منابع عربی

۲۱. رازی، محمد بن زکریا؛ (۲۰۰۵ م)، الرسائل الفلسفیه، ۱ جلد، ناشر بدایات، چاپ دمشق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۳۶۵)، الکافی، ۸ جلد، تهران دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. نراقی، مهدی بن ابی ذر؛ (بی تا)، الجامع السعادات، ۳ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت، چاپ چهارم.

